



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه

عنوان:

اثر بخشی مشاوره گروهی با رویکرد معنادرمانی اسلامی بر میزان دل بستگی و توکل
به خدا در دانش آموزان دختر ایتام

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر کیومرث فرحبخش

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر عنایت شریفی

پژوهشگر:

زهرا رسولی

تابستان ۱۳۹۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اثر بخشی مشاوره گروهی با رویکرد معنادرمانی اسلامی بر میزان دل بستگی و توکل به خدا در دانش آموزان دختر ایتمام می باشد. این پژوهش از نوع شبه آزمایشی و در آن از طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل استفاده شد. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش آموزان دختر ایتمام مقطع متوسطه ناحیه ۱ شهرری تشکیل می دادند که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ مشغول به تحصیل بودند. به علت وجود تنها یک مدرسه ویژه ی ایتمام در شهرری نمونه گیری از نوع در دسترس بود و پرسش نامه های توکل و دل بستگی معنوی بر کلیه ی دانش آموزان این مدرسه اجرا شد و از بین ۶۰ نفر که پایین ترین نمره را در این ۲ پرسش نامه کسب کردند، ۲۴ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند و از این تعداد نفرات به صورت تصادفی ۱۲ نفر در گروه آزمایش و ۱۲ نفر در گروه کنترل قرار گرفتند. در مرحله ی بعد مشاوره ی گروهی با رویکرد معنادرمانی اسلامی به مدت ۸ جلسه ی ۹۰ دقیقه ای بر گروه آزمایش انجام گردید و پس از اتمام جلسات، به منظور سنجش متغیرهای وابسته ، مجدداً پرسش نامه های مذکور به عنوان پس آزمون بر دو گروه آزمایش و کنترل گرفته شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون تحلیل کواریانس استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان داد مشاوره گروهی با رویکرد معنادرمانی اسلامی به طور معناداری باعث افزایش میزان توکل و دل بستگی معنوی گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل شده است ($P < 0/05$).

کلید واژه ها : مشاوره گروهی با رویکرد معنادرمانی اسلامی، توکل ، دل بستگی به خدا ، ایتمام

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات پژوهش

مقدمه	۲
بیان مسئله	۵
اهمیت و ضرورت پژوهش	۸
اهداف پژوهش	۱۰
فرضیه های پژوهش	۱۰
تعریف مفهومی متغیرها	۱۱
تعریف عملیاتی متغیرها	۱۲

فصل دوم: پیشینه ی پژوهش

معنای توکل	۱۴
توکل به خدا در قرآن کریم و احادیث	۱۵
آثار و پیامدهای توکل	۱۸
مفهوم مرکز کنترل و پژوهش های مربوط به آن	۲۱
انواع کنترل در ارتباط با مفهوم توکل به خدا	۲۲
کنترل نیابتی	۲۲
کنترل تفسیری	۲۳
اسناد در زمینه ی توکل به خدا	۲۳
پژوهش های انجام گرفته در زمینه ی اسنادهای مذهبی و توکل به خدا	۲۴
دل بستگی به خدا	۲۷
نظریه ی دل بستگی	۲۷

۲۸ دل‌بستگی و مذهب
۲۹ خداوند به عنوان نگاره ی دل‌بستگی
۳۰ مذهب به عنوان فرآیند پویا از دل‌بستگی
۳۳ سبک های دل‌بستگی به خدا
۳۳ پژوهش های انجام گرفته در زمینه ی دل‌بستگی به خدا
۳۶ معنا از منظر فلسفه و دین
۳۹ تأثیر تصور و تلقی از جهان و خدا در معنادهی به زندگی فرد
۴۱ معنادهی و معنایابی
۴۲ ارزیابی مجدد آسیب
۴۲ فرآیندهای مقابله با تنیدگی از نظر مذهبی
۴۵ فلسفه و معنای زندگی در مکاتب و آیین های مختلف
۴۶ زندگی معنادار از منظر اسلام
۴۶ زندگی متکی به خدا
۴۷ زندگی رهبری شده
۴۷ زندگی هدف دار
۴۷ زندگی پویا و متحرک
۴۸ بازتاب زندگی معنادار از منظر قرآن
۴۹ معنادرمانی اسلامی
۵۰ مرحله ی اول: افزایش مهارت های شناختی در سختی ها
۵۰ گام اول: مهارت های خدا شناختی
۵۰ بیان اصل معناداری و هدفمندی در زندگی
۵۲ مالکیت خداوند بر هستی
۵۲ درک حضور و معیت خداوند
۵۳ توجه به نعمت ها و عنایات الهی در جهان پس از مرگ
۵۳ گام دوم: مهارت های انسان شناختی
۵۳ سختی ها به منزله ی آزمایش الهی

اهداف آزمایش	۵۴
فلسفه ی آزمایش الهی	۵۵
ابعاد گوناگون بلاء	۵۶
بلاء ، آزمون تکامل	۵۶
بلاء و تطهیر گناهان	۵۶
بلاء و ترفیع درجه	۵۶
گام سوم :مهارت های روان شناختی	۵۷
نگرش مثبت به زندگی	۵۷
یافتن تدبیر الهی و رای رنج ها	۵۹
مرحله ی دوم :افزایش مهارت های رفتاری در سختی ها	۵۹
گام اول :شناخت مفهوم صبر و بیان پیامد های آن	۵۹
گام دوم: بیان مفهوم رضا به قضا و قدر الهی	۶۱
قرآن و رضای الهی	۶۲
راه دست یابی به مقام رضا	۶۳
پژوهش های انجام گرفته در زمینه ی رویکرد دینی به کاررفته در درمان	۶۴
ایتام	۶۸
اهمیت نقش پدر	۶۸
جایگاه ایتام در اسلام	۶۸
آثار فقدان پدر بر فرزندان	۶۹
عدم شکل گیری دلبستگی	۶۹
مشکلات تحصیلی	۷۱
ناسازگاری های رفتاری	۷۱
آثار پس ضربه ای	۷۲
پژوهش های انجام گرفته در زمینه ی ایتام	۷۲
فصل سوم : روش شناسی پژوهش	
جامعه ی آماری ،نمونه و روش نمونه گیری	۷۵

۷۸	ابزارهای اندازه گیری
۷۸	پرسش نامه ی توکل به خدا
۷۹	پرسش نامه ی دلبستگی معنوی
۸۲	طرح تحقیق
۸۳	پروتکل مشاوره گروهی با رویکرد معنادرمانی اسلامی
۸۳	روش تجزیه و تحلیل داده ها

فصل چهارم : یافته های پژوهش

۸۵	توصیف داده ها
۸۶	استنباط از داده ها

فصل پنجم : بحث و نتیجه گیری

۹۲	بحث و نتیجه گیری
۹۶	محدودیت های پژوهش
۹۶	پیشنهاد های پژوهشی
۹۶	پیشنهاد های کاربردی

منابع

۹۹	منابع فارسی
۱۰۶	منابع لاتین

پیوست ها

۱۱۴	پیوست ۱
۱۱۷	پیوست ۲
۱۲۰	پیوست ۳

فهرست جدول ها

۷۵	جدول ۱-۳: توزیع فراوانی گروه کنترل و آزمایش بر حسب سن
۷۶	جدول ۲-۳: میانگین و انحراف استاندارد سن به تفکیک گروه
۷۶	جدول ۳-۳: محدوده سنی که آزمودنی ها پدر خود را از دست داده اند
۷۷	جدول ۴-۳: تعداد فرزندان خانواده گروه آزمایش و کنترل

- جدول ۴-۱: آمار توصیفی متغیرهای گروه آزمایش و کنترل قبل از مشاوره گروهی ۸۵
- جدول ۴-۲: آمار توصیفی متغیرهای گروه آزمایش و کنترل بعد از مشاوره گروهی ۸۵
- جدول ۴-۳: آمار توصیفی متغیرهای گروه آزمایش و کنترل قبل از مشاوره به تفکیک ۸۶
- جدول ۴-۴: آمار توصیفی متغیرهای گروه آزمایش و کنترل بعد از مشاوره به تفکیک ۸۶
- جدول ۴-۵: آزمون کولموگروف اسمیرنوف ۸۷
- جدول ۴-۶: آزمون لون برای سنجش برابری واریانس ها گروه ها برای هر متغیر وابسته، پس از مشاوره گروهی ۸۸
- جدول ۴-۷: آزمون کواریانس میزان توکل به خدا ۸۸
- جدول ۴-۸: میانگین توکل به خدا بعد از مشاوره ۸۹
- جدول ۴-۹: آزمون کواریانس میزان دل بستگی ایمن به خدا ۸۹
- جدول ۴-۱۰: میانگین دل بستگی ایمن به خدا بعد از مشاوره ۸۹
- جدول ۴-۱۱: آزمون کواریانس میزان دل بستگی اجتنابی به خدا ۹۰
- جدول ۴-۱۲: میانگین دل بستگی اجتنابی به خدا بعد از مشاوره ۹۰

فصل اول

کلیات پژوهش

مقدمه:

امروزه یکی از مسائل مهم جامعه ی ما، آمار بالای نوجوانانی است که در حال گذراندن سنین هویت یابی هستند و فقدان پدر یا مادر به عنوان یک متغیر مهم محیطی به طور مستقیم و غیر مستقیم تأثیر ویژه ای بر روی رشد کودک در تمام مراحل زندگی و به خصوص در شکل گیری شخصیت دارد. به طور کلی این امر پذیرفته شده است که وجود والدین به شدت بر همه ی جنبه های قوت و ضعف رشد شخصیت تأثیر می گذارد و غیبت یکی از این دو یا هر دو اثر نامطلوبی بر رشد شخصیت فرزند دارد و او را مستعد ابتلا به بیماری های روانی و مشکلات رفتاری می کند (لویس و ابرین^۱، ۱۹۸۷). وجود والدین رکن اصلی خانواده است و با به وجود آوردن محیطی امن و سالم، رشد روانی فرزندان میسر می شود و در چنین شرایطی، عدم حضور هر یک از والدین در محیط خانواده می تواند آثار سوپی بر رشد طبیعی فرزندان داشته باشد (نیسی، ۱۳۸۵). در رابطه با نقش پدر هرزوغ^۲ و سودیا^۳ تحقیقاتی که قبل از سالهای ۱۹۶۹ در زمینه ی اثرات زیانبار غیبت پدر بر رشد شناختی صورت گرفته اند را مورد بررسی قرار دادند. آنان به این نتیجه رسیده اند که شواهد موجود در این زمینه وجود دارد. در تحلیل ۱۰۰ مطالعه در مورد رابطه فرزند-والد مشخص شده است که نقش پدر همانند نقش مادر حائز اهمیت است و موجب تحول اجتماعی، عاطفی، شناختی و کنش موثر فرزندان می شود، عشق پدر در مقایسه با عشق مادری قدرت پیش بینی تری در شخصیت و سازگاری روان شناختی فرزندان دارد (سلیمی، ۱۳۸۵). محرومیت از پدر می تواند زمینه ساز بروز برخی از اختلالات شده، بر سیر پیش آگهی آن ها اثر بگذارد (کرامتی و همکاران، ۱۳۸۵).

در زندگی امروزی بیش از هر زمان دیگری شاهد تجارب فشار زایی هستیم که بهداشت و سلامت روان افراد را به مخاطره می اندازد و باعث بروز ناراحتی های روحی و روانی در انسان می گردد. در چنین شرایطی برخی از عوامل می توانند به کمک انسان آیند و مانع از آسیب دیدگی و اضمحلال وی زیر فشار سنگین مسائل و مشکلات گردند. از جمله عواملی که به اعتقاد برخی از روانشناسان و به استناد مطالعات و پژوهش های انجام گرفته در چند دهه اخیر، نقش و جایگاه مؤثری در قلمرو بهداشت روانی دارد و نیز کارایی آن در درمان بیماریهای روانی نشان داده شده است، دین و مذهب می باشد (غباری بناب، ۱۳۸۰). روبرت^۴ (۱۹۹۲) معتقد است که مذهب یک منبع حمایتی برای افراد است که در رویارویی با مشکلات کمتر آسیب می بینند، زیرا این افراد روش های مقابله گوناگونی دارند که در مواجهه با حوادث فشار زای زندگی از آن بهره می گیرند. توکل در فرهنگ اسلامی به عنوان یک روش مقابله ای با مشکلات پذیرفته شده است و در بسیاری از موارد موجب نظم دهی رفتارها و تعادل دهنده ی حالات روانی افراد بوده است (نراقی، ۱۳۶۷).

¹ Lewis & O'Brien

² Herzog

³ Sudia

⁴ Robert

باور به این که خدایی هست که موقعیت ها را کنترل می کند و در هنگام گرفتاری انسان را یاری می دهد ، اضطراب و نگرانی را کاهش می دهد، به شکلی که بیش تر افراد مؤمن، ارتباط با خدا را مانند ارتباط با یک دوست بسیار صمیمی بیان می کنند و باور دارند که اتکا و توسل و توکل به خداوند به عنوان یک شیوه ی مقابله ای مؤثر کمک زیادی در کنترل موقعیت ها و رخدادهای ناگوار می نماید(اسنایدر^۱، ۲۰۰۱). توکل آثار فراوانی دارد: عزت، آرامش و بی نیازی از خلق، امیدواری و رفع منفی نگری، کفایت، مشکل گشایی و راهیابی به امور، تقویت صبر و موارد متعدد دیگر از جمله ی این آثار است که مجموع آن ها باعث می شود تا احساس فراگیر بسیار ناخوشایندی که اغلب مبهم و تنش زاست و مشکلات جسمانی را پدید می آورد، برطرف شود(تاجیک، ۱۳۸۳).

کرک پاتریک^۲ (۱۹۹۹) به عنوان یکی از نخستین نظریه پردازان در زمینه دل بستگی به خدا معتقد است، دل بستگی به مراقب اولیه در دوران کودکی، با گذشت زمان و در چهارچوب نظام های دیگر همانند دل بستگی به خدا ادامه می یابد. هم چنین آینسورث^۳ (۱۹۷۸) چهار ملاک برای دل بستگی به خدا بر می شمارد که از این میان دو ملاک در مورد خداوند صدق می کند. یکی این که خداوند به عنوان منبع و مبنای امنیت برای افراد هنگامی که دچار استرس و آشفتگی روانی می شوند و دیگر این که خدا به عنوان منبع حمایت کننده و مطمئن برای کشف و جست جو در محیط اطراف. بک (۲۰۰۶) معتقد است افرادی که دل بستگی بیشتری به خداوند دارند و این دل بستگی نیز از نوع ایمن است کمتر دچار تنش و افسردگی می شوند و از احساس رضایت و صمیمیت بیشتری برخوردارند.

کرک پاتریک (۱۹۹۹) دل بستگی به خدا را در سه گزاره خلاصه می کند: الف) ارتباط ادراک شده با خدا ، احساس باور مذهبی بسیاری از افراد را تشکیل می دهد. ب) پیوند عاطفی ای که در این ارتباط تجربه می شود نوعی از عشق بود که شبیه ارتباط نوزاد-مادر است. ج) ویژگی های باور نسبت به خدا شبیه ویژگی های دل بستگی با فردی ایمن است.

می توان گفت که کارکرد عمده ی مذهب ایجاد معنی در زندگی است (ایمونس و پالوتزیان^۴، ۲۰۰۳). هم چنین مهم ترین سود تجربه های مذهبی این است که مذهب به شخص احساس معناداری و ارتباط با حقیقت نهایی اعطا می کند (اکسلین^۵، ۲۰۰۲ ؛ سیمپسون^۶، ۲۰۰۲). انسان جویای معنا از طریق نیاز به معنا به توکل رو می آورد و این نیاز (نیاز به پیدا کردن پشتوانه ای قوی و ماندگار) در نهایت به جستجوی خدا رهنمون خواهد شد، وقتی خدا پیدا شد و به بزرگی در دل نشست، به حیات شخص معنا خواهد

¹ Snyder

² Kirkpatrick

³ Ainsworth

⁴ Emmons & Paloutzian

⁵ Exline

⁶ Simpson

داد(قنبری، ۱۳۸۹). رویکرد ادیان توحیدی به ویژه اسلام، در خصوص معنا و مفهوم زندگی بر مبنای فطرت آدمی قابل تبیین است با این توضیح که معنای زندگی به مفهوم عمیق و حقیقی آن، زمانی برای فرد قابل قبول است که وی در نظام هستی، احساس جاودانگی کند. به عبارت دیگر هستی را نه فقط در محدوده ی دنیا بلکه فراتر از آن ملاحظه نماید و دنیا را تنها مقدمه و زمینه ای برای ابدیتی بداند که آخرت نام دارد(شرفی، ۱۳۸۴). در چنین نگرشی است که مؤمنان باور دارند با خدای خود از طریق ذکر قلبی ارتباط برقرار می کنند. قرآن به ما یادآوری می کند که هرچه در شرق و غرب است به خدا تعلق دارد و هرکجا که انسان ها بروند در حضور خداوند خواهند بود.(بقره/۱۱۵) وقتی از تجلی و حضور خداوند در هستی صحبت می شود، مؤمنان فراتر از پاسخگو بودن و حضور فکر می کنند و آنان به نزدیک بودن خداوند حتی نزدیکتر از خودشان و رگ های گردنشان اشاره می کنند(غباری بناب و حدادی کوهسار، ۱۳۹۰). انتظار بشر از دین آن است که به نیازهای معرفتی و عاطفی او پاسخ دهد و مایل است که در زمینه های ارتباط با خود، خدا و طبیعت، از دین پاسخ های معقول و منطقی دریافت کند و بر اساس آنها به زندگی خود معنا و مفهوم بخشد. انسان در رابطه با خود و بر مبنای شناخت حقیقت وجودی خویش، طبیعت و فطرت می تواند هویت خود را در نظام هستی تبیین کند و از رنج بی هویتی، نجات یابد. و بر اساس رابطه ی محب و محبوب، رنج کشیدن در راه تعالی و کمال معنا می یابد و رنج ها و تألمات زندگی، فرد را پریشان نمی کند و نعمت را عین رحمت می داند(شرفی، ۱۳۸۴).

در پژوهش فوق برآن هستیم تا اثر بخشی مشاوره ی گروهی با رویکرد معنادرمانی اسلامی را بر میزان توکل^۱ و دلبستگی به خدا^۲، در دانش آموزان دختر ایتمام در مقطع متوسطه مورد بررسی قرار دهیم.

¹ Reliance

² Attachmen to God

بیان مسئله

خانواده مهم ترین نهاد اجتماعی در جوامع انسانی بوده و از نظر تکوین شخصیت و پرورش آن در فرزندان و همچنین سازگاری بعدی فرد با جامعه دارای آثار وسیعی می باشد (دارلینگ^۱، ۱۹۹۳).

فقدان یک ارتباط مهم ناشی از مرگ از نظر سلامت روانی آثار منفی گسترده یی در پی دارد. (پارکر^۲، ۱۹۶۴، به نقل از نجاریان^۳، ۱۳۷۴). آنچه می تواند آسیب های روانی در نوجوانان ایجاد کند، محرومیت از پدر است. بسیاری از محققین در مورد نقش پدر به این نتیجه رسیده اند، حضور پدر در خانواده بر پیشرفت تحصیلی و رشد شناختی فرزند و تحولات اخلاقی یا وجدان، تحول نقش جنسی، فقدان آسیب های روانی تأثیر مثبت دارد و عدم حضور او با هریک از این ابعاد همراه است (آدامز^۳، ترجمه ی باقری و عطاران، ۱۳۷۳).

بر اساس دستاوردهای پژوهش در مقایسه با خانواده های عادی (از نظر وجود والدین و فرزندان) کودکان خانواده های تک والدی عزت نفس پایین تری دارند، در به تأخیر انداختن ارضای نیازها تحمل کمتری دارند، مهارت های مقابله اجتماعی آن ها پایین تر است و فراوانی حالات عصبی و خودکشی در آن ها بالاتر است (فرای، شر^۴، ۱۹۸۴). بسیاری از پژوهش های صورت گرفته در ارتباط با کودکان و نوجوانان نشان داده اند که فقدان پدر به بروز و تشدید مشکلات و اختلالات عاطفی- رفتاری در آن ها می انجامد (کاسن و همکاران، ۲۰۰۳).

توکل در رابطه ی فرد با خدا مطرح است که این رابطه در اعمال انسان تأثیر داشته و رابطه ی فرد با خدا را نمایان می سازد. درحالی که انسان رابطه ی خویش را با خدا از طریق دعا، انجام فرائض و مستحبات نشان می دهد، در توکل جنبه ای از رابطه ی فرد با خدا نمایان می شود که تلویحاً فرد متوکل پیش فرض هایی را پذیرفته است که مهم ترین آن باور و ایمان به قدرت، حکمت و شفقت خداوند به بندگانش می باشد و همین جنبه ی اعتماد و ایمان است که رابطه ی توکل گونه را از دیگر رابطه ها متمایز می کند. در واقع توکل نوعی رابطه ی فرد با خداوند است که در آن فرد با توجه به اعتقادی که به قدرت، حکمت و شفقت خداوند دارد در تمام حرکات و سکنات حضور خداوند را در نظر گرفته. افراد متوکل به اتفاقات زندگی معنایی می دهند که آنان را در تعبیر و تفسیر پدیده های زندگی کمک نموده و به توازن شناختی و عاطفی آنان کمک می نماید و آنان را از خلاء زیستی، بی هدفی و پوچی رهایی می بخشد (غباری، ۱۳۷۷).

¹ Darling

² Parker

³ Adams

⁴ Fry&Scher

کسانی که به مفهوم توکل در زندگی شان معتقدند قطعاً در جهان هستی به وجود موجودی به نام خدا باور دارند و به او توکل می کنند، انسان موجودی است که امیدواریش به آینده می تواند در بازدهی کاری وی تأثیر داشته باشد، چه توکل قدرت قلب آدمی و امیدواری او به آینده را فراهم می کند (قنبری، ۱۳۸۹).

از حدود دهه ی نود میلادی کرک پاتریک، روان شناس دین، دلبستگی را به عنوان « چارچوبی توانمند» برای درک و یکپارچه کردن بسیاری از جنبه های باور دینی اختیار نموده است (روات و کرک پاتریک^۱، ۲۰۰۲). تحقیقات مختلف نشان داده ان که برداشت اصلی اکثر افراد از دین، داشتن رابطه ای نزدیک با خداوند است، نه صرفاً مجموعه ای از باورها و اعمال (رووات و کرک پاتریک، ۲۰۰۲).

علاوه بر آن تأکید بر مجاورت هر فرد با خدا، هم چنین ارجاعات مکرر به عشق بین بنده و خدا در غالب ادیان توحیدی وجود دارد. در مورد کنش هایی که از یک چهره ی دلبستگی انتظار می رود، مدارک جهت حمایت از این عقیده که دین و به خصوص « رابطه ی درک شده ی فرد با خدا » به عنوان پناهگاه مطمئن عمل می کند، کم نیست. افراد در زمان بروز بحران، خدا را به عنوان « پناهگاه مطمئن» و هم چنین « پایگاهی امن» جهت جستجوگری در محیط، می دانند (کرک پاتریک، ۱۹۷۸؛ به نقل از روات و کرک پاتریک، ۲۰۰۲). تجربه های عاطفی و هیجانی که اغلب در ارتباط با مذهب مطرح می شود از لحاظ کیفی با تجربه ی روابط عاطفی فرد بزرگسال متفاوتند در حقیقت شکل تجربه ی عشق نسبت به خدا، دقیقاً شبیه دلبستگی کودک- مادر است (کرک پاتریک، ۱۹۹۴).

روبرت^۲ (۱۹۹۲) معتقد است که مذهب یک منبع حمایتی برای افراد است که در رویارویی با مشکلات کمتر آسیب می بینند زیرا این افراد روش های مقابله ی گوناگونی دارند که در مواجهه با حوادث فشار زای زندگی از آن بهره می گیرند. بنابراین مقابله ی مذهبی متکی بر باورها و فعالیت های مذهبی است و از این طریق در مهار تنش های هیجانی و ناراحتی فیزیکی به افراد معتقد به مذهب کمک می کند.

رفتارهای مذهبی هم چون نماز خواندن، صداقت، اعتقاد به خدا یا خواندن کتاب های مذهبی ممکن است از طریق ایجاد امید و تشویق در جهت ایجاد دیدگاه مثبت نسبت به شرایط موجود و بیرون کشیدن فرد از یک بحران مأیوس کننده که بر روی آن ها تسلط چندانی هم ندارد، سبب ایجاد یک نوع آرامش درونی می گردد (کوئینگ^۳، ۱۹۹۵).

¹ Rowatt & Kirkpatrick

² Roberts

³ Koenig

وود^۱ و همکاران (۱۹۹۹) در پژوهشی ارتباط بین مذهبی بودن و وضعیت امنیت عاطفی را در زنان آفریقایی مقیم آمریکا که مبتلا به ویروس ایدز بودند، مطالعه کردند و به این نتیجه رسیدند که مقابله ی مذهبی (توکل به خدا و جست و جوی آسایش در مذهب) با افسردگی رابطه ی منفی دارد. مهم ترین سود تجربه های مذهبی این است که مذهب به شخص احساس معناداری و ارتباط با حقیقت نهایی اعطا می کند(اکسلین^۲، ۲۰۰۲).

تیلون و بلوگمیدی^۳ (۲۰۰۹) به بررسی ارتباط مذهب، معناداری زندگی در میان دانشجویان پرداختند، نتایج نشان داد، عقاید مذهبی به صورتی معنادار در ایجاد حس معنی در زندگی مؤثر هستند. هیل و پارگامنت^۴ (۲۰۰۳) معتقدند معنویت و ارتباط با خدا به افراد احساس داشتن جهت و معنا در زندگی می دهد.

توانمندی رفتارهای مذهبی باعث آن شده است که روش های درمانگری مذهبی، علاوه بر روش های روان شناختی دیگر همچون رفتارگرایی، شناخت گرایی، انسان گرایی، روان تحلیل گری و معنادرمانی، جایگاه ویژه ای در بین شیوه های مهار اختلالات روانی پیدا کند و تحقیقات انجام شده که مبتنی بر نظریه های روان درمانی است نیز کارآمدی این روش ها را در کاهش فشار های روانی نشان داده اند (گارتنر^۵ و همکاران، ۱۹۹۱).

در معنادرمانی اسلامی سعی می شود، طرح واره ی شناختی افراد نسبت به دشواری ها تغییر کند به طوری که معنای جدیدی برای دشواری ها بیابد یعنی یک معنای الهی ورای سختی ها و دشواری ها . از این طریق می توان به افراد کمک کرد تا تسلیم مشکلات و مصائب نشوند. در معنادرمانی اسلامی به افزایش مهارت های شناختی در سختی ها پرداخته می شود زیرا برای تحمل فقدان و سختی ها، آدمی نیازمند شناخت و آگاهی است تا در پرتو این شناخت ها، توان تحمل فقدان و سختی را بیابد و هم چنین افراد شیوه های مواجهه ی اسلامی با بحران و مصائب زندگی را یاد بگیرند. و این شناخت باعث می شود که فرد خود را در مصائب تنها نبیند و در تمامی بحران ها و مشکلات امر خود را به خدا واگذارد و به او توکل کند و همین امر موجب می شود که معنادرمانی اسلامی بر میزان توکل فرد اثر گذار باشد و هم چنین باعث می شود که فرد به یک پناهگاه مطمئن چنگ زده و ارتباط ادراک شده ی فرد با خدا را تحت تأثیر قرار می دهد از این طریق نیز باعث دل بستگی بیشتر میان فرد و خداوند می شود. هم چنین، یکی از آثار فقدان پدر عدم شکل گیری دل بستگی است که باعث فقدان احساس ایمنی در فرد می شود، می توان با معنادرمانی اسلامی در

¹ Wood

² Exline

³ Tiliouine & Belgoumidi

⁴ Hill & Pargament

⁵ Gartner

نوجوانان ایتم دل‌بستگی با خدا را در این نوجوانان افزایش داده که یکی از نتایج دل‌بستگی به خدا، دست یابی به یک پناهگاه امن و مطمئن می باشد.

اهمیت و ضرورت پژوهش:

پدر و مادر دو رکن اساسی در خانواده هستند که با به وجود آوردن محیطی امن و سالم، رشد روانی فرزندان خود را میسر می سازند (دارلینگ^۱، ۱۹۹۳). لذا عدم حضور هر یک از والدین در محیط خانواده تعادل آن را برهم زده و آثار سوئی بر رشد طبیعی فرزندان می گذارد. شناخت نحوه ی تأثیر والدین بر کودکان و بررسی نقش هر یک از آنان در روند رشد روانی - اجتماعی و شخصیتی کودکان و نوجوانان همواره مورد توجه روان شناسان و جامعه شناسان بوده است (بلاک و هکان^۲، ۱۹۹۵). مسأله ی فقدان پدر در طی دهه های اخیر توجه بسیاری از محققین علوم تربیتی و روان شناسی را جلب کرد، به طوری که در خلال سال های ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۸ حدود ۳۴۵ مقاله در این خصوص در مجلات روان شناسی منتشر شده است (نجاریان و همکاران، ۱۳۸۰).

یکی از مسائل دامنگیر جامعه و به خصوص آموزش و پرورش وجود دانش آموزان فاقد پدر است. به عقیده ی فروید، در کودکی و نوجوانی هیچ نیازی قوی تر از نیاز حمایت پدر نیست (شیری ترکمانی، ۱۳۸۰). نوجوانی یک سن بحرانی و با اهمیت در تحول انسان است. بیش تر تغییرات روان شناختی و اجتماعی در یک شخص در طول این دوره از زندگی رخ می دهد. نوجوانان گروهی هستند که در جستجوی هویت و معنا در زندگی خویش هستند (اریکسون^۳، ۱۹۶۸).

ایمان به خدا و اعتقاد کامل به مبانی دینی، بهترین راه مبارزه با فشار روانی است. فرد نا توان با اتصال به کمک و مشیت خداوند متعال احساس قوی بودن می کند و مطمئن می شود که با گرفتن طرف خداوند بر حوادث فائق خواهد آمد و پشتش به پشتیبانی خدا گرم خواهد شد. اندیشه ورزان و پیروان ادیان الهی بر اساس این نظریه به زندگی و حیات دنیوی می نگرند و معتقدند که طرح و هدف نهایی بر حیات ایشان تعیین گشته و آدمی ورای زندگی مادی و جسمانی خود هدفی معنوی و الهی دارد، هدف ادیان بزرگ و وجه مشترک همه ی آنها هدف مندی زندگی و معناداری آن و نجات از خود بیگانگی و بدبینی به جهان است، از این میان اسلام، کامل ترین دین الهی هدف از حیات دنیوی را رسیدن به تعالی و تکامل و تقرب الی الله دانسته و این غایت نهایی را سبب ارزش گذاری های خاص به زندگی و فرآیند معنابخشی به آن می داند.

¹ Darling

² Black&Hocan

³ Erikson

شخص دین دار و دارای باورهای مذهبی در زندگی، هیچ گاه احساس پوچی نمی کند و بدبینی به زندگی و یأس و ناامیدی را از آن می زداید.

این پژوهش به نوجوانان دختری در جامعه ی ما کمک می کند که با مسئله ی فقدان پدر^۱ رو به رو هستند. طبق تحقیقاتی که صورت گرفته فقدان پدر در خانواده باعث می شود که به سلامت روانی آن ها صدمه بزند. معنادرمانی اسلامی به این نوجوانان ایتم کمک می کند تا با روی آوری به دین و باورهای معنوی و مذهبی احساس معنا و هدف داری در زندگی پیدا کنند و توان کنار آمدن مثبت با فشارهای روانی و چالش ها را پیدا کنند. و با طرح الوهی بخشیدن به سختی ها و ناملایمات آن ها را معنای تازه ای ببخشند و از آن ها به عنوان سکوی پرش به سوی معنویت استفاده کنند و در مواجهه با مشکلات و تنیدگی های زندگی باور داشته باشند که خداوند مهربان در کنار آنهاست و آنها را راهنمایی می کند.

¹ Fatherless

اهداف پژوهش:

۱) تعیین تأثیر مشاوره ی گروهی با رویکرد معنادرمانی اسلامی بر میزان توکل به خدا در دانش آموزان دختر

ایتام

۲) تعیین تأثیر مشاوره ی گروهی با رویکرد معنادرمانی اسلامی بر میزان دل بستگی ایمن به خدا در دانش

آموزان دختر ایتام

۳) تعیین تأثیر مشاوره ی گروهی با رویکرد معنادرمانی اسلامی بر میزان دل بستگی اجتنابی به خدا در دانش

آموزان دختر ایتام

فرضیه های پژوهش:

۱) مشاوره ی گروهی با رویکرد معنادرمانی اسلامی برافزایش میزان توکل به خدا اعضای گروه آزمایش مؤثر

است.

۲) مشاوره ی گروهی با رویکرد معنادرمانی اسلامی بر افزایش میزان دل بستگی ایمن به خدا اعضای گروه

آزمایش مؤثر است.

۳) مشاوره ی گروهی با رویکرد معنادرمانی اسلامی بر کاهش میزان دل بستگی اجتنابی به خدا اعضای گروه

آزمایش مؤثر است.

تعریف مفهومی متغیرها:

مشاوره گروهی با رویکرد معنادرمانی اسلامی: برای حوادث و رویدادهای زندگی، برداشت های متعارف و غیر متعارف وجود دارد. اگر با تلقی های معمول و متعارف قادر به تبیین حوادث مذکور نباشیم باید در پی برداشت های غیر متعارف ولی الهی و قدسی بوده تا آن ها به ما در تجزیه و تحلیل سختی های زندگی یاری کنند. بنابراین تنها حوادث مهم تلقی نمی شوند بلکه تفسیر حوادث بر اساس آموزه های دینی و الهی است که جایگاه برتری می یابد یعنی از گذرگاه اسلام به حوادث و رخدادها رنگ الوهی بخشیده و هدفی معنوی و الهی بیابیم (شرفی، ۱۳۸۴).

معنادرمانی اسلامی نوعی از مشاوره ی گروهی است که در آن، معنادرمانی بر اساس آموزه های اسلامی و آیات و روایات ارائه می گردد که همان زندگی در پرتو اعتقاد به حضور همه جایی و همیشگی خداوند در زندگی افراد و به خصوص همراهی خداوند در سختی ها و مصائب زندگی است که به افراد امکان قدرت شناخت و رای سختی ها و معنایابی از گذرگاه الهی در سختی ها و مشکلات را می دهد.

توکل: توکل به خدا عبارت است از رابطه ای که فرد با خدا دارد و این ارتباط مبتنی است بر اعتقادی که انسان به قدرت، حکمت، شفقت و مهربانی خداوند دارد و این اعتقاد در شخص حالتی را بوجود می آورد که موجب می شود به واسطه ی احساس حضور پروردگار، آرامشی پیدا کند که با وجود حوادث سخت دچار شک و تردید نگردد و کارهایی را که مدیریت و برنامه ریزی آن ها خارج از تدابیر اوست به خدا واگذار کند. (غباری و یوسفی نمینی، ۱۳۸۸).

دلبستگی به خدا: دلبستگی به خدا، چارچوب محکمی را برای فهم جنبه های متعدد باورهای مذهبی به ویژه با در نظر گرفتن ارتباط ادراک شده ی فرد با خدا فراهم می کند (رووات و کرکپاتریک^۱، ۲۰۰۲). دلبستگی به خدا در سه سبک دلبستگی ایمن، دلبستگی نا ایمن اجتنابی و دلبستگی نا ایمن اضطرابی یا دو سوگرا تقسیم بندی می گردد.

دلبستگی ایمن: افراد با این سبک دلبستگی اظهار می دارند که خدا به طور کلی با من صمیمی بوده و نسبت به همه ی نیازهایم حساس و پاسخگو است (رووات و کرکپاتریک، ۲۰۰۲).

دلبستگی نا ایمن اجتنابی: افراد با این سبک دلبستگی اظهار می دارند که به طور کلی خدا نسبت به من بسیار سرد و غیر صمیمی بوده و از من بسیار فاصله دارد (رووات و کرکپاتریک، ۲۰۰۲).

¹ Rowatt & Kirkpatrick